

## بررسی و نقش آموزشهای مهارتی در کارآفرینی دانش آموختگان

دانشگاه جامع علمی و کاربردی (مطالعه موردی؛ مرکز علمی و کاربردی شرکت پست)

سمیه سلمانی دنگلانی<sup>۱</sup>

حسین صفرزاد<sup>۲</sup>

دکتر فریدون آزما<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: 94/04/11

تاریخ پذیرش: 94/06/23

### چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی و نقش آموزشهای مهارتی در کارآفرینی دانش آموختگان دانشگاه جامع علمی و کاربردی شرکت پست می باشد. این پژوهش از نظر نوع هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده ها، توصیفی و از نوع همبستگی می باشد که در سال 1394 انجام شده است. روش انجام تحقیق به صورت میدانی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه می باشد. تعداد اعضای جامعه آماری 1500 نفر و اندازه نمونه با استفاده از فرمول کوکران 450 نفر محاسبه گردیده است. روش نمونه گیری تصادفی طبقه ایو برای گردآوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پایایی پرسشنامه 0/86 از طریق آلفای کرانباخ بدست آمد، داده ها بوسیله نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون یومان ویتنی، تجزیه و تحلیل شدند. و نتایج نشان داد که: نقش آموزشهای مهارتی در ابعاد کارآفرینی دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل تفاوتی نداشته ولی نقش این آموزشها در خلاقیت دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت است.

**کلید واژه‌ها:** آموزش های مهارتی، کارآفرینی، خلاقیت، علمی و کاربردی، شرکت پست.

<sup>1</sup> - دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران

<sup>2</sup> - دانشجوی دکتری کارآفرینی، آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، علی آباد کتول، ایران

<sup>3</sup> - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، علی آباد کتول، ایران

## مقدمه

در حال حاضر سیر تحولات جهانی، کارآفرینان را در خط مقدم توسعه فناوری و توسعه اقتصادی قرار داده است (احمدپور و مقیمی 1385). مطالعات نشان می‌دهد که کشورهایی که نیروی کار ماهر دارند و سیاست رشد را انتخاب کرده‌اند، سرمایه‌گذاری آنها در توسعه مهارت‌ها، به افزایش اشتغال کمک کرده است. شواهد نشان می‌دهد افزایش آموزش‌های صحیح می‌تواند بیکاری را کاهش دهد. جونز و انگلیش (2005) طی مطالعه خود اظهار داشته‌اند که با آموزش کارآفرینی می‌توان اعتماد به نفس و دانش و مهارت دانشجویان را افزایش و آنها را برای راه‌اندازی کسب و کار توانمند ساخت.

در این ارتباط آموزش‌های مراکز علمی و کاربردی کشور به قصد ارتقای دانش افراد و ایجاد مهارت‌های لازم و به فعلیت درآوردن استعدادهای نهفته در ایشان تعلیم داده می‌شود و دانش‌آموختگان برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار در مشاغل گوناگون آماده می‌کند و توانایی آنان را برای انجام کاری که به آنان محول شده است تا سطح مطلوب افزایش می‌بخشد. مطالعات نشان می‌دهند کارآفرینان به ویژه در ایجاد واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط که به اشتغال زایی بالایی می‌انجامد، نقش کلیدی دارند. به عنوان نمونه می‌توان به وضعیت اشتغال در دهه‌ی 1980 در ایالات متحده اشاره کرد. طی دهه‌ی مذکور در این کشور تنها 5 درصد شرکت‌های کوچک تازه تاسیس، حدود 77 درصد فرصت‌های شغلی را ایجاد کردند. در حالی که در همین زمان 50 شرکت بزرگ بیش از 3/5 میلیون شغل را از بین بردند (نشاسته ریز، 1387، ص8). این تحقیق درصدد است تا نقش آموزش‌های مهارتی در کارآفرینی دانش‌آموختگان شاغل و غیر شاغل در مرکز علمی و کاربردی شرکت پست در ایجاد کسب و کار را روشن نماید.

در شرایط فعلی کشور و نیز روند تغییرات بین‌المللی و پدیده جهانی شدن اقتصاد و با توجه به سه دلیل ذکر شده، لازم است تا موضوع توسعه کارآفرینی به عنوان برنامه‌ای راهبردی تلقی و به آن پرداخته شود. از طرفی، اشباع ظرفیت‌های استخدامی دولتی و ناتوانی بخش خصوصی در به کارگیری افراد جویای کار موجب شده که در سال‌های اخیر مشکل بیکاری در بین دانش‌آموختگان دانشگاهی به شدت خودنمایی کند که در صورت عدم توجه به این موضوع و پیش‌بینی نکردن

راهکارهای اساسی و مناسب برای رفع این معضل که در حال حاضر مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به وجود آورده، جامعه ما را در آینده‌ای نه چندان دور با بحرانها و چالش‌های بزرگی مواجه خواهد کرد.

توجه به موارد مذکور اهمیت ایجاد مراکز علمی و کاربردی و بررسی و ارزیابی آموزش‌های مهارتی را بیش از پیش مبرم ساخته و به تبع آن نیز انجام تحقیقاتی در این زمینه ضروری است که این پژوهش برآنست رابطه آموزشهای مهارتی در کارآفرینی دانش آموختگان مراکز آموزش علمی و کاربردی شرکت پست را بسنجد و پیش بینی می‌شود که نتایج این پژوهش می‌تواند حفظ و ارتقاء آموزش‌های مهارتی در کار آفرینی دانش آموختگان را با ارائه ایده‌هایی جدید فراهم نموده و با جستجوی نظام مند و کنکاش علمی و بررسی میدانی و ارزیابی برنامه‌ها و فعالیتهای آموزش‌های مهارتی مراکز آموزش علمی و کاربردی، این نکته را مشخص کند که تا چه اندازه این آموزشهای مهارتی در ایجاد کسب و کار کارآفرینی موثر بوده اند و با شناسایی دقیق مساله، ضمن هدایت برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای منطقه‌ای بستر مساعدی را برای بهبود و اعتلای بهره‌وری و رشد و بالندگی منابع مورد نیاز شرکت پست فراهم آورد. با توجه به موارد ذکر شده هدف اصلی این پژوهش عبارت است: مقایسه نقش آموزشهای مهارتی در کارآفرینی بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل می‌باشد.

ادبیات و پیشینه تحقیق

- ابتکار عمل: کارآفرین ابتکار عمل را در فراهم آوردن تمام منابع اقتصادی برای ارائه یک محصول یا خدمت به امید کسب و کار سود آور بدست می‌گیرد(عباس زادگان، 1383).

- قدرت تصمیم‌گیری: کارآفرین تصمیماتی را در مورد سیاستهای اساسی برای کار اتخاذ می‌کند که به این وسیله جریان کاری تعیین می‌شود.

- خلاقیت: کارآفرین فردی خلاق است که تلاش می‌کند تا محصولات جدید را تولید کند(خنیفر، 1385).

- ریسک‌پذیری: کارآفرین، وقت، تلاش و اعتبار کاری اش را در معرض ریسک قرار می‌دهد و منابع مالی را در یک کار مخاطره‌انگیز سرمایه‌گذاری می‌کند. همچنین کارآفرینان به یادگیری مدیریت ریسک و تحمل ابهام برای خود و دیگران تمایل دارند و شکست یک پروژه را به عنوان یک تجربه یادگیری تلقی میکنند نه به عنوان تراژدی فردی

- درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری: انطباق و یادگیری، کارآفرینان افراد نوآوری هستند که قالبهای جدیدی را بوجود می آورند و روش های جدید تدوین می کنند. (فیض، 1386).

- محدود نشدن به منابع موجود: کارآفرینان اجازه نمی دهند تا منابع محدود، آنها را از جستجوی اهدافشان باز دارد و در انجام کارهای بیشتر با امکانات کمتر و جذب منابع از دیگران تبحر دارند و از منابع محدود به شکل اثربخش استفاده میکنند (عباس زادگان، 1383).

- توانایی رهبری: کارآفرین رهبران اثربخشی نیز هستند و برخلاف برخی از افراد که کارآفرینان را افرادی مستقل و تک رو قلمداد می کنند ترجیح می دهند آنها کار کنند. آنها افراد اثرگذاری هستند که می توانند همکاران خود را هدایت کنند.

- کارآفرینی: کارآفرینی فرایندی است که طی آن محصول یا خدمت جدیدی براساس نوآوری و خلاقیت به بازار ارائه شود و این کسب و کار مداوم، مدام در حال رشد و ترقی باشد.

- آموزشهای مهارتی: آموزشهای عملی و علمی کاربردی است که به منظور ایجاد مهارت و تخصص برای توانایی در احراز شغل ارائه می شود و منجر به گواهینامه مهارت میگردد (خنیفر، 1385).

با توجه به اهمیت موضوع، تحقیقات زیادی در زمینه نقش آموزشهای مهارتی در کارآفرینی بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل در کشورهای مختلف انجام شده است.

عزیزی (1382) در بررسی زمینه های پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی نتیجه گرفته است که بین متغیرهای اعتقاد به کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری، استقلال طلبی و خلاقیت دانشجویان با کارآفرینی آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

هزارجریبی (1382) نشان داد که بین کارآفرینی و دوره های آموزش مهارتهای فردی، انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری، نیاز به موفقیت و خلاقیت رابطه معنی داری وجود دارد.

مطالعات وارما<sup>1</sup> (2000) نشان می دهد که کشورهایی که نیروی کار ماهر دارند و سیاست رشد را انتخاب کرده اند، سرمایه گذاری آنها در توسعه مهارت ها، به افزایش اشتغال کمک کرده است. شواهد نشان می دهد افزایش آموزش های صحیح می تواند بیکاری را کاهش دهد. همچنین آموزش

---

<sup>1</sup> - Varma

های علمی کاربردی ریسک انفجار بیکاری زنان و جوانان بی شغل، بیکاری تمام وقت افراد کم مهارت و ناتوان را کاهش می‌دهد.

هووارد<sup>1</sup> (2004) در پژوهشی تاثیر توسعه قابلیت های کارآفرینی (استقلال طلبی، ریسک پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی و اعتماد به نفس و جسارت خلاقیت) را بر کارآفرینی 450 نفر بررسی کرد و نتیجه گرفت که رابطه مستقیمی بین این ویژگی ها و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد.

#### فرضیات تحقیق

با بررسی تحقیقات بدست آمده نتایج حاکی از این است نقش آموزشهای مهارتی در کارآفرینی بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت است. از این رو در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا نقش آموزشهای مهارتی در کارآفرینی بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل مورد بررسی قرارگیرد بر این اساس فرضیه های زیر مورد بررسی قرار می گیرد.

فرضیه اصلی پژوهش این است که " نقش آموزشهای مهارتی در کارآفرینی شاغلین و غیر شاغلین متفاوت است."

فرضیه های فرعی پژوهش به شرح زیر تعیین شده است :

- نقش آموزشهای مهارتی در ابتکارعمل دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت است.
- نقش آموزشهای مهارتی در قدرت تصمیم گیری دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت است.
- نقش آموزشهای مهارتی در خلاقیت دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت است.
- نقش آموزشهای مهارتی در ریسک پذیری دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت است.
- نقش آموزشهای مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت است.
- نقش آموزشهای مهارتی در محدود نشدن به منابع موجود دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت است.
- نقش آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل است.

## داده ها و روش تحقیق

تحقیق حاضر یک تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است. و همچنین پژوهش حاضر از نوع کاربردی می باشد. جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانش آموختگان مرکز علمی و کاربردی شرکت پست می باشند که تعداد دانش آموختگان آن 1500 نفر بوده که 1050 نفر مرد و 450 نفر زن بوده اند. جامعه آماری شامل تمامی دانش آموختگان مرکز علمی و کاربردی شرکت پست در سال 1384 می باشد، و با استفاده از فرمول کوکران تعداد افراد در این پژوهش 400 نفر محاسبه گردید. احتمال وجود صفت مشترک  $p = 0.5$ . عدم احتمال وجود صفت مشترک  $q = 0.5$ . جامعه آماری

$$N = 15000$$

حدود اطمینان در سطح 95% ( $z=1.96$ ) خطای قابل قبول  $d = 0.05$

n =	$NZ^2 pq$	=	$1500 \times 3/84 \times 0.5 \times 0.5$	= 400
	$Nd^2 + Z^2 pq$		$3/84 \times 0.5 \times 0.5$	
			$1500 \times 0.0025 +$	

در این تحقیق حجم نمونه براساس فرمول کوکران محاسبه شد که 400 نفر حجم نمونه می باشد که جهت بالا بردن اعتبار تحقیق 450 نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شد بدین شکل جامعه آماری به دو طبقه مرد و زن و همچنین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل طبقه بندی شده است، سایر اطلاعات در جدول (1) آمده است:

جدول (1): جامعه آماری و نمونه آماری دانش آموختگان فنی و حرفه ای استان اردبیل

جنسیت	جامعه آماری	شاغل	غیر شاغل	جمع کل نمونه آماری
مرد	1050	180	135	315
زن	450	95	40	135
کل	1500	275	175	450

در این تحقیق ابزار جمع آوری داده ها شامل یک پرسشنامه می باشد که دارای 34 سوال که کلیه سئوالات و گویه های مرتبط در طول یک طیف 5 قسمتی از نوع لیکرت ارزش گذاری شده اند. برای سنجش میزان روایی طرح پرسشهای مطرح شده، پرسشنامه در اختیار چند نفر از اساتید و گذاشته شدند با جمع بندی نظرات آنان سئوالات انتخاب شده، ویرایش گردیده و قابلیت اجرا را کسب

نمودند. برای تعیین پایایی پرسشنامه تحقیق حاضر پرسشنامه ها در بین 30 نفر از آزمودنی‌ها اجرا گردید و پایایی پرسشنامه 0/86 درصد از طریق تکنیک آلفای کرونباخ بدست آمد.

برای توصیف صفات کیفی به محاسبه درصد و توزیع فراوانی و درصد تجمعی، برای توصیف صفات کمی به محاسبه شاخص های مرکزی و پراکندگی (میانگین، انحراف استاندارد، خطای معیار میانگین، دامنه تغییرات، چولگی و کشیدگی) از نرم افزار SPSS پرداخته شد و برای تعیین نرمال بودن نمرات از آزمون اسمیرنوف کولموگروف، برای همهی فرضیه ها با توجه به عدم نرمال بودن توزیع داده ها از آزمون یومان ویتنی استفاده شد.

#### نتایج تحقیق

در این قسمت از پژوهش نتایج تجزیه و تحلیل فرضیه ها آورده میشود.

ابتدا به بررسی نرمال بودن آموزشهای مهارتی و کارآفرینی با مولفه های آن (ابتکار عمل، قدرت تصمیم گیری، خلاقیت، ریسک پذیری، درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری، محدود نشدن به منابع موجود، توانایی رهبری) دانش آموختگان می پردازیم به این منظور از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است. همانطور که در جدول (2) مشاهده می شود سطح معنی داری همهی متغیرها 0/000 و کوچکتر از 0/05 می باشد، بنابراین با اطمینان 95 درصد می توان گفت متغیرها دارای توزیع نرمال نیستند.

جدول (2): نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای برازندگی توزیع نرمال

دانش آموختگان شاغل	تعداد	آماره کولموگروف- اسمیرنوف	سطح معنی داری دوطرفه
کارآفرینی	275	2/450	0/000
ابتکار عمل	275	2/321	0/000
قدرت تصمیم گیری	275	3/381	0/000
خلاقیت	275	4/527	0/000
ریسک پذیری	275	2/855	0/000
درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری	275	2/392	0/000
محدود نشدن به منابع موجود	275	3/827	0/000
توانایی رهبری	275	3/137	0/000
دانش آموختگان غیر شاغل	تعداد	آماره کولموگروف- اسمیرنوف	سطح معنی داری دوطرفه
کارآفرینی	175	2/063	0/000
ابتکار عمل	175	2/660	0/000
قدرت تصمیم گیری	175	2/489	0/000

0/040	1/398	175	خلاقیات
0/001	2/031	175	ریسک پذیری
0/000	2/681	175	درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری
0/002	1/884	175	محدود نشدن به منابع موجود
0/035	1/422	175	توانایی رهبری

برای انجام آزمون فرضیه ها، با توجه به نوع و مقیاس متعبرها از آزمون  $u$  مان ویتنی استفاده شد. در جدول (3) میانگین رتبه ها به تفکیک آمده است.

جدول (3): میانگین رتبه ها برای انجام آزمون ناپارامتریک  $u$  مان ویتنی

فرضیه	نام مولفه	تعداد	میانگین رتبه ها	مجموع رتبه ها
فرضیه اصلی	شاغل	275	204/77	56722/50
	غیر شاغل	175	187/43	22678/50
فرضیه اول	شاغل	275	197/36	54669
	غیر شاغل	175	204/40	24732
فرضیه دوم	شاغل	275	200/21	55458
	غیر شاغل	175	197/88	23943
فرضیه سوم	شاغل	275	208/20	57671
	غیر شاغل	175	179/59	21730
فرضیه چهارم	شاغل	275	205/52	59630
	غیر شاغل	175	185/71	21730
فرضیه پنجم	شاغل	275	200/22	55460
	غیر شاغل	175	197/86	23941
فرضیه ششم	شاغل	275	196/31	54379
	غیر شاغل	175	206/79	25021
فرضیه هفتم	شاغل	275	200/25	55470
	غیر شاغل	175	197/78	23931

جدول (4): نتایج آزمون  $u$  مان ویتنی برای مقایسه نقش آموزش های مهارتی و ابعاد کارآفرینی

فرضیه	نام مولفه	آماره $u$ مان ویتنی	آماره $Z$	سطح معنی داری
فرضیه اصلی	کارآفرینی	15297/50	-1/385	0/166
فرضیه اول	ابتکار عمل	16166	-0/568	0/570
فرضیه دوم	قدرت تصمیم گیری	16562	-0/190	0/849
فرضیه سوم	خلاقیات	14349	-2/325	0/020



0/112	-1/588	15090	ریسک پذیری	فرضیه چهارم
0/850	-0/190	160560	فرآیند نوآوری	فرضیه پنجم
0/394	-0/852	15876	محدود نشدن	فرضیه ششم
0/840	-0/202	16550	توانایی رهبری	فرضیه هفتم

نتایج آزمون فرضیه اصلی در جدول (4) آمده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری 0/166، فرض صفر این آزمون رد نمی شود. به عبارت دیگر فرضیه اصلی رد می گردد یعنی نقش آموزشهای مهارتی در کارآفرینی بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست.

نتایج آزمون فرضیه اول در جدول (4) آمده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری 0/570، فرض صفر این آزمون رد نمی شود. به عبارت دیگر فرضیه اول رد می گردد یعنی نقش آموزشهای مهارتی در ابتکار عمل بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست.

نتایج آزمون فرضیه دوم در جدول (4) آمده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری 0/849، فرض صفر این آزمون رد نمی شود. به عبارت دیگر فرضیه دوم رد می گردد یعنی نقش آموزشهای مهارتی در قدرت تصمیم گیری بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست.

نتایج آزمون فرضیه سوم در جدول (4) آمده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری 0/020، فرض صفر این آزمون رد میشود. به عبارت دیگر فرضیه سوم تأیید می گردد یعنی نقش آموزشهای مهارتی در خلاقیت بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت است.

نتایج آزمون فرضیه چهارم در جدول (4) آمده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری 0/112، فرض صفر این آزمون رد نمی شود. به عبارت دیگر فرضیه چهارم رد می گردد یعنی نقش آموزشهای مهارتی در ریسک پذیری بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست.

نتایج آزمون فرضیه پنجم در جدول (4) آمده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری 0/850، فرض صفر این آزمون رد نمی شود. به عبارت دیگر فرضیه پنجم رد می گردد یعنی نقش آموزشهای مهارتی در درگیر شدن در فرآیند مستمر نوآوری بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست.

نتایج آزمون فرضیه ششم در جدول (4) آمده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری 0/394، فرض صفر این آزمون رد نمی شود. به عبارت دیگر فرضیه ششم رد می گردد یعنی نقش آموزشهای مهارتی در محدود نشدن به منابع موجود بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست.

---

نتایج آزمون فرضیه هفتم در جدول (4) آمده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری 0/840، فرض صفر این آزمون رد نمی شود. به عبارت دیگر فرضیه هفتم رد می گردد یعنی نقش آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست.

### بحث و نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج تحقیق نشان می دهد یعنی نقش آموزشهای مهارتی در کارآفرینی دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست. و در این رابطه گیب<sup>۱</sup> (2004) معتقد است برای جذب بازار کار، علاوه بر آموزش های حرفه ای و مهارتی، آموزش های دیگری نیز لازم است. مجموع این آموزش های مورد نیاز که بتواند نیازهای بازار کار را در زمینه های مختلف مرتفع کند تحت عنوانهای مختلفی نامگذاری شده است: معیارهای توانمندی، شایستگی کانونی، قابلیت اشتغال، مهارتهای اساسی. یافته های بدست آمده با تحقیقات قبلی (مک بناتین و هال<sup>۲</sup>، 2003). علی بیگی و همکاران (1387) محسنی (1387) صدرا ابرقویی و بیطرف ثانی (1387) عزیزی و حسینی (1384) که در این زمینه انجام گرفته اند همسو نمی باشد.

نقش آموزشهای مهارتی در ابتکار عمل بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست. و به نظر محقق فردی که آموزشهای مهارتی را بصورت صحیح و کاربردی می بیند به سرعت و به طور مثبت نسبت به اتفاقات واکنش نشان می دهد و برای خود فرصت ایجاد می نماید که یافته های بدست آمده با نظریه جیمز<sup>۳</sup> (2005) که بر این باور است که مزیت اساسی آموزشهای علمی کاربردی القای مهارتهای تخصصی مربوط به کار است که می تواند فرد را در شغل اتخاذ شده بسیار شایسته و پربارتر از قبل نشان دهد همخوانی ندارد.

نقش آموزشهای مهارتی در قدرت تصمیم گیری بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست. نتایج بدست آمده با تحقیقات قبلی در این زمینه همسو نمی باشد در این زمینه برخی از صاحب نظران علم کارآفرینی معتقدند که ویژگی های شخصیتی عامل مؤثری بر تصمیم گیری در کارآفرینی به شمار می روند. به عبارت دیگر اگر چنین ویژگی هایی در فرد وجود داشته باشد، فرد به سمت کارآفرینی سوق می یابد (موریانو و گرجیوسکی، 2007).

نقش آموزشهای مهارتی در خلاقیت بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت است. که نتایج کسب شده به نظر محقق منطقی بوده و محقق بر این باور است که آموزش های فنی و حرفه ای به سبب انطاف پذیری نشات گرفته از خصیصه های بازار کار و اوضاع اقتصادی- اجتماعی حاکم بر کشور و نیز به دلیل آموزش و ایجاد مهارت در افراد برای توانایی در احراز شغل، نقش

<sup>1</sup>- Gibb

<sup>2</sup>- Mack Bannatyne & Hall

<sup>3</sup>- James

بسزایی در خلاقیت و اشتغال دانش آموختگان دارد. هم چنین، ریسال<sup>۱</sup> (1992) نیز در پژوهشی خلاقیت و نوآوری را موثرترین ویژگی روحیه کارآفرینانه عنوان کرده است.

نقش آموزشهای مهارتی در ریسک پذیری بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست. و محقق براین باور است که کارآفرینان به یادگیری مدیریت ریسک و تحمل ابهام برای خود و دیگران تمایل دارند و شکست یک پروژه را به عنوان یک تجربه یادگیری تلقی میکنند نه به عنوان تراژدی فردی. بر پایه کار ساتکین و پابلو<sup>۲</sup> (1992) می توان به این نتیجه رسید که احساس مخاطره کارآفرینان، مشخصات بنگاه، اثرات ضمنی<sup>۳</sup> و ویژگی های شخصیتی کارآفرینان، نقشی کلیدی در تصمیمات کارآفرین برای ورود به تصمیم گیری مخاطره آمیز جدید بازی می کند.

نقش آموزشهای مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست. نتایج بدست آمده به نظر محقق علت آن رامی توان به میزان علاقه مندی دانش آموختگان با نوع آموزشها و توجه آنها به موارد تدریس شده دانست چون کارآفرینان همواره نسبت به تحولات واکنش فوری نشان داده و از ادامه ضرردهی جلوگیری می کنند.

نقش آموزشهای مهارتی در محدود نشدن به منابع موجود بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست. عباس زادگان (1383) معتقد است که کارآفرینان اجازه نمی دهند تا منابع محدود، آنها را از جستجوی اهدافشان باز دارد و در انجام کارهای بیشتر با امکانات کمتر و جذب منابع از دیگران تبحر دارند و از منابع محدود به شکل اثربخش استفاده میکنند.

نقش آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری بین دانش آموختگان شاغل و غیر شاغل متفاوت نیست. جونز<sup>۴</sup> (2005) در بررسی که در 22 دانشکده انجام داد، آموزش کارآفرینی را در مراکز آموزش عالی کشاورزی به منظور افزایش توانایی و دانش شغلی دانشجویان و تحقق اهداف آموزش کشاورزی ضروری می داند.

با توجه به یافته های پژوهش حاضر راهکارهای زیر پیشنهاد می گردد:

- آموزش منتهی به کارآفرینی طبق استاندارد جهانی و به موازات خدمات جاری شرکت پست در مراکز آموزشی علمی و کاربردی این شرکت برگزار گردد.

<sup>1</sup>- Rissal

<sup>2</sup>- Sitkin & Pablo

<sup>3</sup>- Contextual effects

<sup>4</sup>- Jones

- 
- توجه ویژه مدیران به پرورش خلاقیت و نوآوری در کارکنان عملیاتی شرکت پست.
  - حمایت از ایده ها و طرح های ابتکاری در ارائه خدمات مطلوب به مشتریان.
  - استقرار نظام پاداش دهی مناسب برای فعالیت نوآورانه و خلاقانه کارکنان.
  - از بازیهای خلاقانه در محیط آموزش و در کارگاههای آموزشی بیشتر استفاده شود.
  - در دوره‌های آموزشهای مهارتی در مراکز آموزشی علمی و کاربردی شرکت پست از صاحبان حرف مربوط دعوت شود.
  - در تدوین استاندارد آموزش، نیازسنجی از بازار خدمات شرکت پست صورت گیرد.
  - در دوره‌های آموزشهای مهارتی در مراکز آموزش شرکت پست از مهارت‌های عمومی کسب و کار نیز بحث گردد.
  - ایجاد تیم های رقابتی برای نوآوری در ارائه خدمات جدید در بستر فناوری.
  - معرفی شاغلین خلاق و نوآور به دیگر کارکنان شرکت پست و تجلیل از آنها.

## کتابنامه:

- احمد پور داریانی، محمود و مقیمی، سید محمد، 1385، مبانی کارآفرینی، نشر فرا اندیش، تهران، ص 16.
- خنیفر، حسین، (1385)، "کارآفرینی در نظام ارزشی، تهران: انتشارات اکرام".
- صدرا ابرقویی، ناصر، و بیطرف ثانی، مرتضی، (1387)، "ارزیابی کارآفرینی دانشجویان علمی کاربردی،" مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی.
- عباس زادگان، سیدمحمد، (1383)، "کیفیت و کارآفرینی،" مجله مدیریت، شماره 89-90.
- عزیززی، ب، و حسینی، س. م، (1384)، "بررسی عوامل مؤثر در توسعه روحیه و مهارتهای کارآفرینی در میان دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته ترویج و آموزش کشاورزی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، تهران، ایران.
- عزیززی، م، (1382)، "بررسی زمینه های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجوین سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی،" پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- علی بیگی، امیر حسین، اطهری، زهرا، و بارانی، شهرزاد، (1387)، "بررسی میزان روحیه کارآفرینی دانشجویان علمی-کاربردی و عوامل مؤثر بر آن،" مجموعه مقالات همایش توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی، انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی.
- فیض، داود، 1386، روش های تدریس کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشور، مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی، انتشارات دانشگاه سمنان.
- محسنی، عادل، (1387)، "بررسی تاثیر آموزش کارآفرینی برنگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی عمومی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی،" پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی
- نشاسته ریز، محمد، (1387)، "کارآفرینی و آموزش و پرورش، فصلنامه رشد آموزش فنی و حرفه ای،" (1)4، صص 9-11.
- هزارجریبی، جعفر، (1383)، "کارآفرینی، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی".

- 
- Gibb, Jennifer., (2004), "generic skills in vocational education and training," Australia: National Center For Vocational Education Research.
  - Howard, S., (2004), "Developing Entrepreneurial Potential in Youth: The Effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation," University of South Florida Report, pp 3-17.
  - James, T., (2005), "Encyclopaedia of Technical and Vocational Education," Anmol Publications Pvt.Ltd., New Delhi.
  - Jones, C., and English, J., (2005), "A contemporary approach to entrepreneurship."
  - Jones, T., (2005), "Entrepreneurship Education in American community colleges and University," London, Ashgate Publishing Limited.
  - Mack Bannatyne, M. W., and Hall, R. A., (2003), "Technology and Vocational Educational Entrepreneurship Education," 1(1), pp 65-86.
  - Moriano, J. A. L., and Gorgievski, M., (2007), "Psychology of entrepreneurship: Research and education. UNED".
  - Postigo, S., (2002), "Entrepreneurship Education in Argentina: The Case of Sananders University," In Proceedings of the Conference Entitled.
  - Rissal, R., (1992), "A Study of the Characteristics of Entrepreneurs in Indonesia," EDD Dissertation. U.S.A.: George Washington University.
  - Sitkin, S. B., and Pablo, A. L., (1992), "Reconceptualizing the determinants of risk behavior. Academy of Management Review," 17(1), pp 9-38.
  - Varma, P., (2000), "Technical and Vocational Education and Development. Development Express," No. 4.